

دربارهٔ مجموعهٔ «هنک، سگ گاوچران» طنز سگی!

علی مولوی



ماجراهای هنک از سال ۱۳۸۰ که اولین جلدش با نام ماجراهای دست‌اول و به ترجمهٔ فرزاد فرید توسط انتشارات کتاب پنجره در ایران چاپ شد، تا امروز که جلد نوزدهم آن با نام پروندهٔ نره‌گاو شاخ‌قلابی به چاپ رسیده، طرفداران زیادی پیدا کرده که همیشه منتظر انتشار جلد‌های بعدی آن هستند.

اما هنک در کنار تمام شوخی‌های بامزه و خنده‌دار، یک مشکل اساسی دارد و آن تکرار است. در کتاب‌های هنک، ماجراهای گوناگونی اتفاق می‌افتد که نشان‌دهندهٔ شناخت دقیق اریکسون از سگ‌هاست، خصوصاً که سگ‌های واقعی خودش را هم در مزرعه‌اش دم دست دارد! اما با تمام این اتفاق‌های تازه و خنده‌دار، بیشتر شوخی‌های سگی هنک، تکراری است و شاید خواننده نمی‌تواند از خواندن پشت سرهم چند کتاب هنک لذت ببرد. این موضوع، تفاوت اصلی بین هنک و سگ‌های معروف داستان‌های نوجوان مثل بوش‌وگ یا میلو است.

بوش‌وگ سگ ولگرد داستان‌های «لوک خوش‌شانس» نوشتهٔ رنه گوسینی با این که فقط یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است، اما هرگز برای خواننده‌اش تکراری نمی‌شود و جذابیتش را از دست نمی‌دهد و همیشه می‌تواند حرکتی غیرقابل پیش‌بینی انجام دهد. یا میلو سگ با وفای تن تن در مجموعهٔ «ماجراهای تن تن» نوشتهٔ هرژه — با این که سگ عاقلی است و کم پیش می‌آید حرف بزند یا کاری کند — همیشه جنبهٔ طنز خود را دارد و تکراری نمی‌شود. اما در مورد هنک، همان طور که گفتیم، اگر چند جلد از این مجموعه را پشت‌هم بخوانید، ممکن است شوخی‌های کلامی و شخصیتی‌اش تکراری و حتی بعضی وقت‌ها کسالت‌بار به نظر برسد. هر چند که به خودی خود و به تنهایی شوخی‌های بامزه‌ای هستند، اما در قالب یک مجموعه، خسته‌کننده می‌شوند. این موضوع وقتی بیشتر به چشم می‌آید که بدانید جان. آر. اریکسون تاکنون ۵۴ جلد از مجموعهٔ هنک را چاپ کرده و سه جلد جدید آن را نیز در دست انتشار دارد.

اما نباید از یاد بُرد که تمام این تکرارها باعث نشده از محبوبیت جهانی مجموعه کتاب‌های هنک کاسته شود. هنک همیشه طرفداران خودش را دارد که منتظر انتشار کتاب‌های جدیدش هستند و البته هنک هم همیشه با تکیه کلام معروفش از آن‌ها استقبال می‌کند: مخلص شما هنک، سگ گاوچران!

«هنک سگ گاوچران» موجود عجیبی است؛ نه قهرمان است و نه ضد قهرمان. نه قدرت ویژه‌ای دارد، نه عقل درست‌وحسابی و نه تیپ و قیافه‌ای. بیشتر یک راوی بامزه است که به خاطر روایت خاطرات روزانه‌اش به زبان گاوچران‌ها محبوب شده است. هنک دربارهٔ خودش چنین می‌گوید: «وقتی فرماندهی حفاظت مزرعه را قبول کردم، می‌دانستم که فقط چهار تکه گوشت و استخوانم، با یک دُم و چهار تا پا و یک جفت گوش و البته یک دماغ خوشگل و قشنگ که خیلی‌ها کشته‌مرده‌اش هستند، با یک کپه پشم و مقداری خار خسک که بهش چسبیده است. همهٔ این‌ها که کنار هم جمع بشود، سوپرمن به وجود نمی‌آید، بلکه می‌شود هنک!»

جان. آر. اریکسون، نویسندهٔ «هنک، سگ گاوچران» در مجموعه داستان‌هایش فضای عجیبی خلق کرده که هر خواننده‌ای را جذب می‌کند. فضایی فراواقعی از زندگی سگ‌هایی که مثل گاوچران‌ها روزگار می‌گذرانند و کایوت‌هایی که مثل سرخ‌پوست‌ها قبیله‌ای زندگی می‌کنند، اسم‌های سرخ‌پوستی دارند و مثل سرخ‌پوست‌ها حرف می‌زنند. فضایی که شاید به طور خلاصه بتوان نامش را «طنز سگی» گذاشت!

این فضاها با شوخی‌های جان. آر. اریکسون، محیطی سرشار از طنز را به وجود آورده است که همیشه می‌تواند خواننده‌اش را بخنداند. مهم نیست خواننده نوجوان باشد یا بزرگسال؛ هنک می‌تواند برای همهٔ اعضای خانواده جذاب باشد. چون ماجراهای هنک تنها به گاوچرانی و نگهبانی مزرعه ختم نمی‌شود و با هر کدام از شخصیت‌های ثابت داستان‌های هنک، موقعیت‌های طنز و دلنشینی خلق می‌شود که آن را به مجموعه‌ای خانوادگی تبدیل می‌کند؛ شخصیت‌هایی مثل دراور (دیگر سگ نگهبان مزرعه که خیلی تنبل و خنگ است)، بیولا (ماچسگ زیبای همسایه که موهای قهوه‌ای و سفید و دماغ باریکی دارد و هنک عاشق اوست و بیشتر وقت‌ها خوابش را می‌بیند)، پلوتو (رقیب عشقی هنک است که به تعبیر هنک، سگی ولگرد است که فکر می‌کند با تعقیب پرنده‌ها شاخ غول می‌شکند و برای این اسمش پلوتو است که چشم‌هایش شبیه بشقاب خالی پلو است!)، والاس و جونپور (دو لاشخوری که همیشه منتظر مُردن هنک و خوردن او هستند!)، «خانمی» یا «دختری که خون خورد» (کایوت مادهٔ زیبایی که هنک عاشقش می‌شود) و شخصیت‌های بامزهٔ دیگر.